

خدمت سروران محترم دست اندرکاران سایت «چشم انداز جوان»

از این که لطف کرده مقاله ای برای سایت ما ارسال کرده اید در درجه اول متشکریم. و اما راجع به مطالب یاد شده در مقاله شما:

از اینکه «کتاب پدر» نوشته فضل الله مهتدی معروف به صبحی را معرفی فرموده اید باید با عرض معذرت خدمتان عرض کنم که کمی دیر از خواب بیدار شده اید. این کتاب بیش از ۶۰ سال پیش نوشته شده و حنایش رنگی ندارد. راجع به شخصیت آقای صبحی نویسنده نامدار ایران صادق هدایت که خواندن کتابهایش را به شما توصیه می کنم (از قبیل «ولانگاری» «علویه خانم» «اصفهان نصف جهان»، «توب مرواری»، «کاروان اسلام» و «حاجی آقا») چنین می نویسد: «من حوصله ندارم با او همدهن بشوم و اگر نه مطالب بسیاری از دزدی و کثافت کاری های او دارم که بگویم. البته به این وسیله خودش را دارد معرفی می کند. موجودی است مثل میهنش. کسی که ده سال به پول عبدالبهاء معلق زد و آنطور نمک به حرامی کرد جای تعجب نیست.» (نامه های هدایت به حسن شهید نورانی)

شما نوشته اید آقای صبحی قرار بوده جانشین عبدالبهاء شود. این ادعای شما دلیل بی اطلاعی مطلق شما از بهائیت است.

سؤال من از شما این است که چرا شما به سراغ «کتاب اقدس» رفته اید. آیا ایراد گرفتن به کتب مذهبی سایر ادیان و مذاهب و یا تفکرات کار انسانهای فرزانه و عاقل است؟ اگر من حواله شما را به کتاب «ینابیع الاسلام» بدهم که می نویسد قرآن از چه کتابهایی گرفته شده و سرچشمه قرآن کجا است چه جواب می دهید؟ اگر به شما بگویم کتاب «میزان الحق» هشام شامی را بخوانید که صد ها ایراد دستوری و غیر دستوری به قرآن گرفته چه جواب می دهید؟ و در خود قرآن آمده که به محمد رسول الله نسبت – العیاذ بالله – دیوانگی دادند. سوره الحجر آیه ۶: «و گفتند ای مرد که قرآن بر تو نازل شده، حقا که تو دیوانه ای.»

و اگر به شما بگویم که اصولا و بر مبنای چه دستوری شما اصلا مسلمان هستید چه می گویند؟ مگر در قرآن سوره مائده آیه ۴۸ نیامده: «برای هر گروهی از شما شریعت و روشی نهادیم و اگر خدا می خواست همه شما را یک امت می ساخت.» سوره انعام آیه ۹۲: «این است کتابی مبارک که نازل کردیم تا با آن ام القری و مردم اطرافش را بیم دهی.» سوره یونس آیه ۴۷: «هر امتی را پیامبری بود و چون پیامبرشان.»

سوره قریش آیه ۱: «برای انتلاف قریش.» سوره ابراهیم آیه ۴: «هیچ پیامبری را جز به زبان مردمش نفرستادیم تا بتواند پیام خدا را برایشان بیان کند.» سوره نحل آیه ۳۶: «به میان هر ملتی پیامبری مبعوث کردیم» سوره الشوری آیه ۷: «این قرآن را به زبان عربی بر تو وحی کردیم تا ام القری و ساکنان اطرافش را بیم دهی.» سوره مائده آیه ۵۱: «ای اهل ایمان، یهود و نصاری را به دوستی مگیرید، آنان بعضی دوستاند بعضی دیگرند، و هر که از شما مؤمنان با آنها دوستی کند به حقیقت از آنها خواهد بود همانا خدا ستمکاران را هدایت نخواهد نمود.» مائده آیه ۴۸: «ما برای هر قومی از شما شریعت و طریقه ای مقرر داشتیم، و اگر خدا می خواست همه شما را یک امت می گردانید، و لیکن (این نکرد) تا شما را به احکامی که در کتاب خود به شما فرستاد بیازماید» سوره الحجرات آیه ۱۰: «جز این نیست که مؤمنان برادر هستند میان دو گروه از برادران را صلح بدهید، از خدا بترسید ..» و بالخره سوره الکافرون: «بگو ای کافران آنچه را شما می پرستید نمی پرستم و نه شما آنچه را که [من] می پرستم، می پرستیدو. شما را دین خود، و مرا دین من.»

این آیات الهی همه دلالت بر محدود بودن کلام خداوند برای اعراب و جدا دانستن آنها از سایر ملل است.

اگر قرار بر ایراد گرفتن باشد ایراد فراوان است. شما که خود در یک اطاق شیشه ای نشسته اید نباید سنگ بیاندازید چون اگر سنگ به قفس شما بخورد چیزی از آن نمی ماند. به عقیده ما باید به همه انسانها و اعتقاداتشان احترام گذاشت. بابت بی احترامی به یهودیان، زرتشتیان، ارامنه و بهائیان جامعه ما متأسفانه تا کنون بهای سنگینی پرداخته است. بهتر است دست از این تفرقه اندازی ها بردارید و بسوی دوستی و

آشتی بروید. البته بحث بسیار خوب است. حقایق همیشه در زمینه بحث‌ها شناخته می‌شود. ولی شما متأسفانه نظر بحث ندارید بلکه می‌خواهید ثابت کنید که ماست شما شیرین‌تر از ماست بقیه است. این کاری است به غایت نادرست. کار گروه اوهام زدانی معرفی ماست شیرین هیچ کسی نیست. به عقیده ما شما می‌توانید و حق دارید که به اقدس ایراد بگیرید و بگویند چون بهاءالله گفته بالای منبر رفتن، موعظه کردن، نماز دست جمعی خواندن و تقلید کردن ممنوع است، من مخالفم چون دوست دارم مقلد باشم، نمی‌خواهم فکر کنم.

بهاءالله مصرف مواد مخدر را حرام کرده، شما می‌توانید بگویند تریاک و حشیش خیلی خوب و لذت بخش است. بهاءالله حمل اسلحه را منع کرده، شما می‌توانید بگویند من می‌خواهم اسلحه به دست بگیرم، و امر به معروف و نهی از منکر را اجرا بکنم و مردم را به سزای اعمالشان برسانم.

راجع به سؤال که «آیا ناموس بهائی ۹ مثقال طلا است؟» سؤال بنده این است: قیمت ناموس شما چقدر است؟ راجع به زنا بینی و بین‌الله حکم شما چیست؟ حتماً می‌دانید ولی به جا است یادآوری کنم. اگر مردی لخت روی زنی خوابیده باید طناب رد کنند، اگر طناب گیر کرد مشخص است که مرد در حال زنا است و اگر طناب رد شد زنائی نبوده است. آیا نمی‌شود در حال رد کردن طناب زانی آلت را در آورده و بعد از رد طناب مجدداً داخل نماید؟ چهار شاهد عادل باید شهادت به زنا بدهند و در این حالت باید شخص زانی در سر چهار راه و در ملاء عام زنا کند. از این گذشته آیا صیغه یا متعه چه معنایی دارد؟ با چه مبلغی و در چه زمان معینی این کار انجام می‌شود؟ اگر اطلاعات بیشتری می‌خواهید بفرمائید خدمتان عرض کنم.

مثال‌ها فراوان است. بهاءالله می‌گوید کسی نجس نیست، شما غیر شیعه را نجس می‌دانید. بهاءالله می‌گوید موسیقی علم مقدس است، شما با آن مخالفید....

راجع به این که «بهائی آدم نیست» آیا حکم شما چیست؟ آیا مقلد فکر می‌کند؟ آجاری گفت مگر آدم میمون است که تقلید کند و سر همین سخن به اعدام محکوم شد. آیا شما علما را «راعی عوام کالغانم» نمی‌نامید؟

به حکم سوزاندن شخصی که خانه کسی را سوزانده ایراد گرفته‌اید. شما حواله به دادگاه‌های جهانی می‌دهید که آیا کسی این حکم را قبول می‌کند؟ سؤال من از شما: حکم این که کافر را هرکجا یافتید بگیرید و بکشید می‌توانید به جانی حواله بدهید؟ آیا احکام شرع در ۲۷ سال گذشته که به چه عناوینی پسر و دختر، مرد و زن، پیر و جوان را اعدام کردند می‌توانید به جانی ارائه بدهید؟ به همانجا هم احکام اقدس را ارائه بدهید.

راجع به دفن مرده به کفن حریر و در صندوق گذاشتن اجساد. این احترام به کرامت انسانی است. شما می‌توانید هر کاری که دلتان می‌خواهد با اجساد خودتان انجام دهید.

مسئله این که «بهائیان اجازه ایراد به زمامداران را ندارند». اولاً که بهائیان زمامدار ندارند. دوماً اگر بهائیان فقط اجازه اعتراض ندارند ایراد شما به مقام ولایت فقیه و یا یکی از علماء منجر به دست دادن سر مبارکتان می‌شود.

ضمناً یاد آور می‌شویم که به سؤالات آقای انجوی شیرازی و گروه رهپویان در سایت اوهام زدانی جواب کافی داده شده است. متأسفانه در برابر جواب‌های دریافت کرده سکوت اختیار فرموده‌اند. علتش را جویا شوید و از تکرار مجدد سؤال‌ها پرهیزید.

و السلام علی من اتبع الهدی

س. نیکو صفت، ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۷ مطابق با اول مهر ۱۳۸۶